

استانی شدن انتخابات مجلس، آری یا نه؟



با استانی شدن انتخابات مجلس به نحوی که در آن طرح آمده بود، اعلام کرد، عمده دلیل مخالفت شورای نگهبان، اعلام مغایرت بود به این معنا که این طرح مخالفت با اصولی از قانون اساسی بود که بر مشارکت عمومی مردم و اتکا به آرای ملت مربوط می‌شد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی مجدداً در بهار سال ۹۴ کلیات طرح استانی شدن انتخابات مجلس را تصویب کردند و مقرر شد که این طرح برای بررسی و رفع اشکالات به کمیسیون شوراها ارجاع شود تا در نهایت به صورت دو شوری در مجلس مورد بررسی قرار گیرد. ۵۶۲

امین فضل‌ی- تحلیلگر مسائل سیاسی: از سال ۶۸ که شورای بازنگری قانون اساسی، ساختار نظام سیاسی کشور را با حذف پست نخست‌وزیری تغییر داد و به حالت نیمه پارلمانی و نیمه ریاستی تبدیل کرد، وجود خلأ در پاسخگویی و ناهماهنگی میان قوا، یکی از مشکلاتی بود که در ساختار آن به وجود آمد. طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی از دوره پنجم مجلس همواره مطرح بوده است. در سال ۸۶ طرحی با همین عنوان در مجلس شورای اسلامی مطرح شد که حدود ۴ سال در دست بررسی مجلس بود. پس از ارجاع آن طرح به شورای نگهبان، این شورا مخالفتش را

«**پارلمان منطقه‌ای و انتخاب شهرداران با رای مستقیم می‌تواند از مکمل‌های طرح استانی شدن انتخابات مجلس باشد**»



نگاهی به جایگاه احزاب در کشور
سیاست‌فوبیا!
۳۹۲

حمایت از کالای ملی
از شعار تا عمل!
۷۰۶

ایجاد جنگ روانی با حربه دلار
آرامش بازار در گرو اعتماد عمومی
۶

صعقت گردشگری ایران در دوران پس‌پس‌اجام

دکتر سروش در شک و تردید اعتقادی

Ayatmandegar
biweekly

علی نوری
روزنامه نگار ۷

مهدی آیتی
نماینده مجلس ششم ۸



دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۵۳ | نیمه اول فروردین ۱۳۹۷ | سال چهارم | هشت صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان | No.53 Second of March.2018 | Political, Social | www.ayatmandegar.ir

سرمقاله

ای که دستت می‌رسد کاری بکن



حدود ۱۱ ماه از پیروزی حسن روحانی در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری می‌گذرد و بی‌تردید رای ۲۴ میلیونی مردم، بهترین پشتوانه برای ادامه کار این شیخ دیپلمات بوده و است.

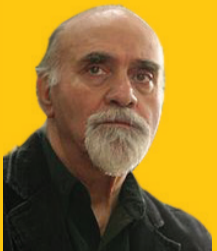
حضور بی‌شمار مردم در صف‌های طولانی رای در ۲۹ اردیبهشت سال گذشته حکایت از آن داشت که مردم علاقه‌ای به بازگشت به روال‌های پیش از سال ۹۲ را نداشتند. دولت‌مردان و در راس همه آقای دکتر حسن روحانی باید توجه داشته باشند که اعتماد و لبیک به ایشان نباید تنها فدای یک مشت وعده وعید شود. مردم در بهار سال ۹۶ با هزار امید و آرزو و بهبود شرایط، پا در صحنه انتخابات گذاشتند و نباید عده‌ای مرتباً به آن‌ها گوشزد کنند که دست‌آورد حضور شما، رای نیابردن کاندیدای رقیب بود زیرا کاهش سطح مطالبات مردم و راضی نگه داشتن آن‌ها به چنین حرف‌هایی تنها توهین به شعور این دلسوزان است. ... ۸

در این شماره می‌خوانید:

شعری از رضا براهنی

این چه آوازی است می‌خوانند
سوی من؟

۸



نگاهی به فلسفه گیاهخواری

زنده باد زندگی!

۸



IRAN

IRA

پیام‌رسان داخلی یا خارجی؟

حسام‌الدین شیخی: مردم با خود می‌گویند تمام این سال‌ها چه در فضای فیلترینگ توئیتر و فیس‌بوک و... و چه در تلگرام هیچ اتفاقی برای اطلاعات کاربران ایرانی بوجود نیامده جز اینکه هرگاه در کشور اعتراضی از سوی مردم صورت گرفته مسئولین نسبت به استفاده و تجمع مردم در یک شبکه اجتماعی واکنش نشان داده و اقدام به فیلترینگ و عدم دسترسی را بوجود آوردند که این خود بزرگترین عامل گریختن مردم از شبکه‌های داخلی و پیوستن آن‌ها به شبکه‌های خارجی است.

مسئله فیلترینگ است!

۳۰۲

تفحص

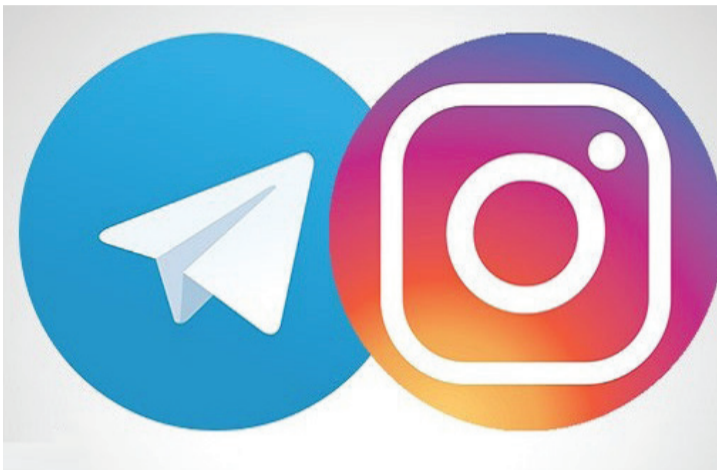


حسام‌الدین شیخی
کارشناس حوزه آی تی

ما اگر برگردیم به زمانی که ابزار رسانه‌ای بین مردم شاید تنها شب‌نامه و اعلامیه‌ها بود و سیر تکامل این ابزار ارتباطی را در میان مردم بنگریم که بعدها به شکل تلفن، تلفن همراه، پست الکترونیکی، وبلاگ، شبکه‌های اجتماعی وب سایت‌های مختلف تغییر و به نوعی پوست‌اندازی و رشد کرد، درمی‌یابیم که تاثیر مثبت ابزارهای ارتباطی در جامعه بسیار بیشتر از مضرات آن است چراکه هیچگاه مردم به سمت درماندگی نرفته و نخواهند رفت و همواره به سوی پیشرفت بودند هرچند اندک و آهسته، اما بدنبال زوال و ساکن ماندن نبودند و سعی بر انتخاب راهی آسان و ساده برای آگاهی بوده‌اند تا جایی که به شبکه‌های اجتماعی موبایلی رسیدیم که در بین بسیاری از این شبکه‌های موبایلی، مردم به سمت نرم افزارهایی رفتند که اعتبار بالایی نسبت به رقبای دیگر داشته باشند و این اعتبار را هم عملکرد است که تعیین می‌کند، حالا پس از این همه فراز و نشیب و

پیام‌رسان داخلی یا خارجی؟

مسئله فیلترینگ است!



فیلتر شبکه‌های معروف و ناگزیر شدن برنامه‌های حکومتی برای جلوگیری از رفتن جامعه به سمت شبکه‌ها، بسیاری از مسئولین نظام تصمیم به همراهی با مردم و حضورشان در این شبکه‌ها گرفتند که موجب رونق و دلگرمی جامعه و ثبات در یک رسانه گسترده اجتماعی در بین مردم شد تا فضایی نسبتاً باز و آسان برای دسترسی آحاد جامعه به یکدیگر صورت بگیرد که در کنار این امر گروه‌های بسیاری از جامعه در فضای مجازی شکل گرفت.

در واقع طبقه‌بندی واقعی و حقیقی جامعه را می‌شود در فضای مجازی مخصوص تلگرام و اینستاگرام دید که هر صنفی و هر قشری بصورت آزاد می‌توانند اعلام حضور کنند و هر اطلاعاتی را که از چشم و گوش دیگران پنهان مانده بود به

آگاهی یکدیگر برسانند. از ترویج و معرفی فرهنگ‌های مختلف در کشورمان گرفته تا تبلیغات و ایجاد گروه‌های خصوصی برای هماهنگی اعضای شرکت‌ها، ادارات،

برچینیم چه اتفاقی خواهد افتاد؟ فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همان قدر برای کشور مهم هستند که وجود برق مهم است، چیزی شبیه به این است که برای چند ساعت در شب برق تمام کشور قطع شود! همه این ارتباطات قطع خواهد شد و زندگی بسیاری از مردم که از راه ساده و آسان شبکه اجتماعی که رسالت و اساس این شبکه‌ها نقطه اتصال مردم به یکدیگر است و به فعالیت‌هایی که در بالا گفته شد می‌پرداختند دچار اختلال شوند.

تصور کنید در کشوی که برق آن قطع شده باشد در روز چه مشکلاتی بوجود می‌آید و در شب، دزدان به کدامین منزل که رحم نخواهند کرد! و این قطع برق می‌تواند مملکت را متضرر کند هم در بخش اشتغال و درآمدزایی و هم در بخش رضایتمندی مردم. تجربه نشان داده که هرآنچه که باعث راحت‌تر شدن زندگی مردم و آزادی مردم باشد را از آن‌ها بگیریم با آسیب‌های بسیاری در جامعه روبرو خواهیم شد، که کمترین آن آسیب سیاسی است! و بیشترین آسیب را می‌توان فقر اقتصادی و فرهنگی دانست. بنظر من اینکه چرا ما از پیام‌رسان خارجی استفاده می‌کنیم اهمیتی ندارد، اینکه چرا مردم ما از پیام‌رسان‌های داخلی استفاده نمی‌کنند

یا ادامه فعالیت و تصمیمات مسئولین درباره این نرم افزار اجتماعی تشکیل شده که این نشان از اهمیت بالای آن در زندگی مردم دارد چراکه به ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین حالت ممکن، نقطه وصل بسیاری از مردم از قشر پایین جامعه تا بالاترین سطح تبدیل شده است. نقطه وصل درست همان چیزی است که هر انسانی می‌تواند از جنبه مثبت آن استفاده کند. وضعیت کسب و کار مجازی، تبلیغات کالا و تولیدی‌ها، هماهنگی جلسات، تعطیلی‌ها، حوادث و از همه مهمتر افشای فسادهایی که رسانه‌های رسمی به دلایل وابستگی‌ها یا محدودیت‌های سیاسی که دارند از اعلام آن سرباز می‌زنند. همه و همه این‌ها موجب پیشرفت و آگاهی می‌شود که اگر تصور کنیم این ابزار مهم را از میان مردم

مسلم کرده است: وقتی از کسی که از قباحات کار سیاسی و جناحی سخن می‌راند بپرسیم: «سیاست، جناح، حزب و... چیست؟» یا از پاسخ به طور کامل باز می‌ماند یا پاسخی کاملاً پرت از موضوع ارائه می‌دهد! حواسمان باشد چیزی را تقبیح نکنیم که اصلاً نمی‌دانیم چیست! چه کسانی همیشه کار سیاسی و جناحی را مذمت می‌کنند؟ آیا این کلام را از زبان فعالان اصلاح‌طلب شنیده‌ایم؟ با دقت و توجه به کلام کسانی که از این تعبیر استفاده می‌کنند، متوجه می‌شویم که این تعبیر معمولاً متعلق به اصولگراها و به خصوص فعالان احزاب تندرو، این جریان است! ویژگی‌های رفتاری، گفتاری و کرداری این متکلمین، گواهی می‌دهند که این گرایش سیاسی را دارند اما... نکته اینجاست که نداشتن پایگاه اجتماعی، باعث شده تا فعالان اصولگرا از ابراز گرایش و سلیقه سیاسی خود ابا و شرم داشته باشند و معمولاً پشت بعضی اصطلاحات مخفی شوند: من هیچ گرایش سیاسی خاصی ندارم! من طرف مردم

حتی در سخنرانی بعضی شخصیت‌های سیاسی، یا مسئولان مشاهده می‌کنیم که «عدم وابستگی به حزب» یا «عدم تعلق به جناح» یک امتیاز و یک ویژگی مثبت تلقی می‌شود. اگر بخواهیم این مسئله و ماجرا را از ابعاد مختلف مورد واکاوی و تحلیل قرار دهیم، بهتر است موارد را به تفکیک بنگریم:

۱) بین باور و حقیقت، تفاوت زیادی است. اگر یک جامعه ۵۰۰ میلیون نفری هم معتقد باشند خدایی وجود ندارد، در اصل وجود خداوند تفاوتی ایجاد نمی‌کند! خدا وجود دارد و این یک حقیقت است! طبعاً اگر همه مردم هم «باور» داشته باشند که سیاست چیز بد و نجسی است، این مسئله در «حقیقت» سیاست تغییری ایجاد نمی‌کند! به طور قطع می‌توان گفت پیش‌فرضی که در ذهن مردم ما در مورد کار سیاسی و جناحی «صحیح» فرض شده، به طور کامل غلط است.

۲) پرسش اول اینجا است که اصلاً منظور ما از «کار سیاسی» یا «کار جناحی» چیست؟ تجربه نگارنده این مسئله را

نگاهی به جایگاه احزاب در کشور

سیاستوفویا!



تحقیق



علی ششمندی
روزنامه‌نگار

مدت‌هاست بحث در مورد «فعالیت احزاب»، توانایی، ظرفیت و مسائل قانونی آن‌ها و هر مسئله‌ای که مرتبط با بحث حزب و رویکرد احزاب است، در محافل گرم و حتی داغ شده است. در این مطلب به این مسئله، از زاویه‌ای خاص خواهیم نگریم. از این زاویه که چرا مفاهیم مربوط به «حزب» تا این حد شکل مذموم پیدا کرده‌اند و حتی فعالیت‌های حزبی و انسجام در قالب احزاب، میان بعضی مردم قبح شمرده می‌شود. واقعیت آن است جامعه عام مردم ایران، به دلایل متعددی، معتقدند «کار سیاسی» و «جناحی عمل کردن» بد است! پیش‌فرضی که در ذهن عموم مردم و متأسفانه برخی مسئولان شکل گرفته و ما حتی آن را گاهی در کلام فعالان فرهنگی، سیاسی، استادان و نخبگان هم مشاهده می‌کنیم. متأسفانه

نگاه

در سالی که توسط رهبر معظم انقلاب به نام سال حمایت از کالای ایرانی نام‌گذاری شده است انتظار می‌رود که تولیدکنندگان داخلی روی به افزایش کیفیت کالاهای خود بیاورند تا مردم با اعتماد و اطمینان بیشتر به خرید محصولات وطنی سوق پیدا کنند. در این بین، صنعت خودروسازی کشور هم نیازمند توانمندی و تحول است. بی‌تردید اگر مدیران ارشد خودروساز داخلی، این روش و منش را در پیش بگیرند با استقبال خریداران روبرو خواهند شد و آنگاه می‌توانیم بگوییم که شعار سال ۹۷ در میدان عمل هم تحقق پیدا کرده است. در همین رابطه به سراغ مجید کیانپور، نماینده مردم دورود و ازنا در مجلس دهم رفتیم تا نظرات وی را جویا شویم.

گروه صنعتی ایران خودرو از سال ۹۳ تا ۹۶ از ۱۲ محصول رونمایی کرده است، به نظر شما تنوع محصولات چقدر می‌تواند به انتخاب بهتر مشتریان کمک کند؟

به طور کلی تنوع به انتخاب دقیق‌تر مشتریان کمک می‌کند و آن‌ها می‌توانند با بررسی بیشتر، تصمیم به خرید بگیرند.

مجید کیانپور، نماینده دورود و ازنا:

تنوع محصولات ایران خودرو شایسته تقدیر است

شود زیرا بالا بردن ایمنی خودرو هم جان انسان‌ها را بیشتر در امان نگه می‌دارد و هم آسیب دیدگی خودرو را کاهش می‌دهد که بدون شک اگر ایمنی در خودرو افزایش پیدا کند و مردم این رشد و پیشرفت کاری خودروسازان را لمس کنند بهترین تبلیغ برای خرید محصولات آن‌ها خواهد بود.

شرکت ایساکو موفق شده که برای هشتمین سال پیاپی به عنوان برترین شرکت در خدمات پس از فروش

بپردازند؟

هرچند گفته می‌شود نقش خودرو در تصادفات، ۲۵ درصد است و بخش دیگر آن خطای انسانی و حتی مسائل محیطی است ولی شایسته است که خودروسازان تمرکز بیشتری را در بالا بردن ایمنی خودروها داشته باشند یعنی اگر واقعا ۲۵ درصد تصادفات و حتی آسیب‌هایی که به تبع آن رخ می‌دهد ریشه در بی‌کیفیتی محصولات دارد باید روی این موضوع به‌طور جدی کار

از پیش مستقل شوند و دولت کمتر از آن‌ها حمایت کند زیرا این رویکرد باعث می‌شود خودروسازان، خودکفتر و به تبع آن، فضا رقابتی‌تر شود. باید تلاش شود، روش‌ها نسبت به گذشته عوض شود، هرچند تا کنون اتفاقات مدیریتی خوبی نسبت به قبل افتاده ولی همچنان انتظاری بیش از این می‌رود.

چقدر نیاز است که خودروسازان بیش از پیش به افزایش ایمنی خودروها

شده با برنامه‌ریزی جمع‌آوری می‌گردند. از طرف دیگر صنعت خودروسازی ما بیشتر از تنوع، به تحول نیاز دارد که امیدوارم مدیران خودروساز کشور به این موضوع اهتمام بیشتری بورزند.

علیرغم تمام مشکلاتی که وجود دارد وضعیت مدیریتی حال حاضر خودروسازی کشور را به نسبت گذشته‌اش چطور ارزیابی می‌کنید؟

به نظر می‌رسد خودروسازان ما باید بیش



مهم است. پیام‌رسان تلگرام از بهترین حالت ممکن امنیتی و کدنویسی برخوردار است و ضعف ساختاری ندارد، تنها ضعفی که می‌توان به آن وارد دانست همان سایه غول اطلاعات کاربران ایرانی است که در دست خارجی‌ها قرار دارد! تلگرام اگر این یک ضعف را داشته باشد، منفعت آن برای جامعه ما یک در مقابل صد است، خوب و بد را خود جامعه تشخیص می‌دهد بنظر من جای اینکه دنبال تلگرام هراسی باشیم، به دنبال پاسخی برای این پرسش باشیم که چرا مردم به پیام‌رسان‌های داخلی اعتمادی ندارند؟ آیا صرفاً مسئله فنی و ساختاری یک پیام‌رسان است یا مردم کنترل و دیده شدن اطلاعاتشان توسط مسئولین داخلی را دوست ندارند؟ اگر بخواهیم از بُعد فنی به این موضوع بنگریم به راحتی می‌شود فهمید که هیچ‌کدام از پیام‌رسان‌های داخلی حتی بنای رقابت با کوچکترین پیام‌رسان خارجی را هم ندارند چراکه پایه و اساس علم تولید یک پیام‌رسان در کشور ما بسیار ضعیف است و یا اگر هم جوانان ما مستعد در ایجاد یک بستر مناسب باشند ابزار فعالیت آن‌ها به راحتی وجود ندارد چراکه صرفاً فعالیت شبکه‌ها در کشور تحت نظر یک نهاد باید باشد به همین خاطر کسی تمایل به ارتقای سطح کیفی

تلگرام هیچ اتفاقی برای اطلاعات کاربران ایرانی بوجود نیامده جز اینکه هرگاه در کشور اعتراضی از سوی مردم صورت گرفته مسئولین نسبت به استفاده و تجمع مردم در یک شبکه اجتماعی واکنش نشان داده و اقدام به فیلترینگ و عدم دسترسی را بوجود آوردند که این خود بزرگترین عامل گریختن مردم از شبکه‌های داخلی و پیوستن آن‌ها به شبکه‌های خارجی است. زمانی بود که اگر فردی در وبلاگ نقدی و فیس بوک بوجود آمد، نظرات و انتقادات و اعتراضات در آن شبکه دست به دست می‌شد و آنگاه فیلتر شد.

مردم به سمت توییتر رفتند، باز هم فیلتر شد. وی‌چت بوجود آمد و سپس فیلتر شد. وایبر، یوتیوب و بسیاری از شبکه‌های دیگر دچار فیلترینگ شدند اما مردم دوباره شبکه‌های دیگر را جایگزین آن‌ها کردند. با فیلترینگ هیچگاه نمی‌شود تفکری را در ذهن آزاد مردم جای داد، همانطور که به وسیله زور نمی‌شود همه مردم را به بهشت فرستاد.

جایگزین تلگرام در ابتدای کار، واتساپ و ایمو باشد که به مرور مردم به سمت ابزاری نزدیک به کارایی تلگرام خواهند رفت اما اینکه از یک پیام‌رسان داخلی استفاده کنند، هرگز! چراکه به هیچ‌عنوان نه قدرت و نه امنیت مناسب در مقابل با نسخه‌های خارجی را دارند. بطور مثال در شبکه اجتماعی مانند فیس بوک حداقل ۲۵۰۰ نفر کارمند وجود دارد اما در شبکه

در یک فضای بسته را ندارد زیرا افق پیشرفتی را نمی‌بیند. بطور نمونه اتفاقی که برای پیام‌رسان سروش افتاد و سهولت دسترسی به پیام و یا استفاده از شماره کاربر بجای نام کاربری و... نشانگر ساده بودن و ابتدایی بودن علم برنامه نویسی بانی این پیام‌رسان به اصطلاح معروف داخلی است، باگی که شاید برای موسس تلگرام خنده‌دار باشد و برای ما گریه‌دار! اگر مبنای جنس خوب باشد، مردم همواره به دنبال استفاده از جنس خوب‌اند، و هیچ‌گاه کسی به سمت چیزی که از لیاف نامناسب بافته شده باشد نمی‌رود! در عین حال تاکید و اصرار از سوی مسئولین به استفاده از پیام‌رسان داخلی در حالی که همه مردم از رصد و نگاه امنیتی به شبکه‌ها آگاه هستند و صرفاً تنها به یک دلیل معروف که اطلاعات کاربران ایرانی باید داخل ایران باشد قابل هضم برای مردم نیست و در ذهن مردم ایجاد شبهه می‌کند که آیا اگر از پیام‌رسان داخلی استفاده شود می‌تواند به گفت‌وگوها در فضای خصوصی و گروه‌های عمومی خود بطور آزادانه بپردازد یا همواره نفر سومی در حال خواندن روابط خصوصی افراد هست؟ از منظر دیگر نیز مردم با خود می‌گویند تمام این سال‌ها چه در فضای فیلترینگ توییتر و فیس بوک و... و چه در

هستم! راه ما راه راست است! اصلاح‌طلب اصولگرا هستم! کار سیاسی و جناحی را قبول ندارم! مستقل فکر می‌کنم و... بعضی از این تعابیر واقعاً درست هستند و به این مسئله کاری نداریم؛ اما این کلیت‌ها به شما خواهد فهماند که فرد سخنگو کاملاً اصولگرا است و معمولاً از نوع افراطی آن! اما می‌داند که ابراز این مسئله، پایگاه اجتماعی او را از بین خواهد برد! در زمان انتخابات، در زمان فعالیت‌های اجرایی، در زمان تقسیم‌های سیاسی و... سنگ محک خوبی برای این دست افراد به وجود می‌آید که می‌توان فهمید همیشه از چه شخصیت‌ها، احزاب و اندیشه‌هایی حمایت می‌کنند؟ ریسی و قالیباف، یا روحانی؟ لیست امید یا لیست پیروان...؟

می‌کنند آن را نوعی «تفرقه» قلمداد کنند یا از قول شخصیت‌ها مهم مذهبی و سیاسی، طوری مسئله را تحلیل کنند که انگار، در دید این بزرگواران نیز، فعالیت سیاسی و حزبی مذموم ارزیابی می‌شود! اما نکته اینجا است که اگر چهارچوب مرزبندی «قانون» در مورد این فعالیت‌ها رعایت شود، نه منجر به تفرقه می‌شود و نه اختلاف سلیقه سیاسی و فعالیت‌های رقابتی در دوران انتخابات و بعد از آن، در نگاه بزرگان نظام، مذموم بوده و هست! آنچه گاهی مورد انتقاد قرار می‌گیرد، خروج از قانون و چهارچوب‌های انقلاب و نظام است که این مسئله اختصاص به سیاست ندارد و ما در هر زمینه‌ای اگر از اصول انقلاب و قانون گذر کنیم، دچار اشتباه شده‌ایم و در نگاه بزرگان، کاری مذموم را انجام داده‌ایم! پس کسانی که با این استدلال سعی می‌کنند فعالیت احزاب، جناح‌ها و نگاه سیاسی را تقبیح کنند، در واقع به دامن «سفسطه» پناه آورده‌اند! نجبگان جامعه می‌توانند مردم را از این ترندها آگاه کنند تا عده‌ای

خورد، در جامعه پیاده‌سازی کنند. نظام قانونمند احزاب، افکار مشابه به هم را سازماندهی می‌کند و با فعالیت منظم و منسجم، احزابی که هم‌فکران بیشتری دارند، قدرت بیشتری پیدا می‌کنند. در نتیجه جامعه به سمت «تفکر اکثریت» پیش می‌رود. این تنها راهکاری است که برای پیاده‌سازی عملی اهداف دموکراسی داریم و همان‌طور که گفته شد، راه حل آن از «احزاب» می‌گذرد.

خورد، در زمان در یک جامعه این تشکیلات سیاسی تضعیف شوند، خطر این وجود دارد که طی یک هوچی‌گری، افکار جامعه به شعارهای یک نامزد خاص واکنش مثبت نشان دهد و یک‌دفعه صندوق‌های رای پر شوند از نام کسی که چند ماه بعد، مردم آن جامعه از خودشان پرسند: چرا به او رای دادیم؟ برعکس؛ اگر در یک جامعه، احزاب هویت رسمی داشته باشند، بعد در قالب جناح‌های کلان سامان‌دهی شوند، آن زمان مردم برای تصمیم‌گیری و انتخاب، فرصت دارند که افکار و عقایدشان را با اندیشه جریان‌ها تطبیق دهند! در راستای اهداف حزب یا گروه رسمی و قانونی که شباهت بیشتری به آن‌ها دارد، حرکت کنند و با انتخاب‌های عاقلانه، جامعه را در راستای اهداف خود سوق دهند!

هستند! هر زمان در یک جامعه این تشکیلات سیاسی تضعیف شوند، خطر این وجود دارد که طی یک هوچی‌گری، افکار جامعه به شعارهای یک نامزد خاص واکنش مثبت نشان دهد و یک‌دفعه صندوق‌های رای پر شوند از نام کسی که چند ماه بعد، مردم آن جامعه از خودشان پرسند: چرا به او رای دادیم؟ برعکس؛ اگر در یک جامعه، احزاب هویت رسمی داشته باشند، بعد در قالب جناح‌های کلان سامان‌دهی شوند، آن زمان مردم برای تصمیم‌گیری و انتخاب، فرصت دارند که افکار و عقایدشان را با اندیشه جریان‌ها تطبیق دهند! در راستای اهداف حزب یا گروه رسمی و قانونی که شباهت بیشتری به آن‌ها دارد، حرکت کنند و با انتخاب‌های عاقلانه، جامعه را در راستای اهداف خود سوق دهند!

ایام ممنوعیت تبلیغات) یا نامزدی خاص را تخریب کند یا برای استخدام افراد یک جریان خاص یا تعلق تسهیلات برای آن‌ها تلاش کند یا از هم‌فکران سیاسی خود در تربیون‌های غیرسیاسی دفاع کند یا حتی به صورت واضح برنامه، سخنرانی یا... در حمایت از پایه‌های اندیشه اصولگرایی اجرا کند، «کار سیاسی» نکرده است! بلکه کسی که کار فرهنگی می‌کند، انتقاد می‌کند، از آزادی بیان سخن می‌گوید، یا هرگونه «تحوّل خواهی» یا اصلاح‌طلبی را در دستور کار -چه اجتماعی چه فرهنگی دیدگاه این سخنوران، کار سیاسی انجام داده و مطلوب نیست! اگر این نتیجه را گرفتیم، بدانیم که این کلام، تنها یک برچسب برای تخریب سلیقه رقیب سیاسی است و گوینده هیچ اعتقاد قلبی به آن ندارد!

کار سیاسی و جناحی اصلاً بد نیست! بلکه در یک نظام متکی بر مردم سالاری، احزاب، جناح‌ها و نجبگان سیاسی، هدایت‌گر افکار و اندیشه‌های مردم



انتخاب شود، رضایت مشتریان پس از خرید محصول بواسطه خدماتی که به آن‌ها ارائه داده می‌شود چقدر در خریدهای بعدی آنان تأثیرگذار است؟ در خدمات پس از فروش لازم و ضروری است که نگذاریم قطعه قاچاق و بدون کیفیت فنی وارد کشور شود. شرکت‌هایی مثل ایساکو که در خدمات پس از فروش فعال هستند باید اصالت قطعه و خدماتی را که ارائه می‌دهند را تایید و تضمین کنند. مطمئناً اگر این فضا حاکم باشد هم مردم اعتماد می‌کنند و هم به یک آرامش نسبی در این رابطه می‌رسند. اگر قطعه بدون کیفیت، جایگزین قطعه اصل شود یعنی خودمان را به سمت خطر سوق دادیم و این روش غیراستاندارد مغایر افزایش ایمنی خودرویی است که از آن یاد کردیم. مجلس چه نقشی را می‌تواند در پیشرفت صنعت خودروسازی ایفا کند؟ مجلس می‌تواند کمک کند که موانع تولید تا میزان قابل توجهی برطرف شود و از طرفی می‌تواند نقش به‌سزایی را در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی که حرکت به سمت خصوصی سازی است را داشته باشد.

استانی شدن انتخابات مجلس، آری یا نه؟

بررسی



امین فضلی
تحلیلگر مسائل سیاسی



سابقه طرح استانی شدن انتخابات مجلس
از سال ۶۸ که شورای بازنگری قانون اساسی، ساختار نظام سیاسی کشور را با حذف پست نخست‌وزیری تغییر داد و به حالت نیمه پارلمانی و نیمه ریاستی تبدیل کرد، وجود خلأ در پاسخگویی و ناهماهنگی میان قوا، یکی از مشکلاتی بود که در ساختار آن به‌وجود آمد. طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی از دوره پنجم مجلس همواره مطرح بوده است. در سال ۸۶ طرحی با همین عنوان در مجلس شورای اسلامی مطرح شد که حدود ۴ سال در دست بررسی مجلس بود. پس از ارجاع آن طرح به شورای نگهبان، این شورا مخالفتش را با استانی شدن انتخابات مجلس به نحوی که در آن طرح آمده بود، اعلام کرد، عمده دلیل مخالفت شورای نگهبان، اعلام مغایرت بود به این معنا که این طرح مخالفت با اصولی از قانون اساسی بود که بر مشارکت عمومی مردم و اتکا به آرای ملت مربوط می‌شد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی مجدداً در بهار سال ۹۴ کلیات طرح استانی شدن انتخابات مجلس را تصویب کردند و مقرر شد که این طرح برای بررسی و رفع اشکالات به کمیسیون شوراها ارجاع شود تا در نهایت به صورت دو شوری در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

اهداف مدنظر در استانی شدن انتخابات
تمرکز نمایندگان بر امور ملی و پرهیز از صرف اوقات نمایندگی برای امور جزئی با حفظ ویژگی محلی و ملی بودن مسئولیت نمایندگی و جایگزین کردن برنامه‌محوری به جای شخص‌محوری، ارتقای سطح کیفی و افزایش کارایی مجلس از طریق ایجاد امکان

انتخاب داوطلبان شاخص‌تر با صلاحیت‌های برتر، متمایل کردن انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان به سمت ایجاد نظام انتخاباتی متناسب با ساختارهای سیاسی و حقوقی ایران، حذف رقابت‌های شدید و اختلاف برانگیز قومی و قبیله‌ای و تقویت همبستگی ملی، کاهش تعداد داوطلبان و هزینه‌های اجرایی انتخابات، افزایش میزان و تسهیل امکان مشارکت عمومی شهروندان در اعمال حق تعیین سرنوشت، عادلانه شدن

نظام انتخاباتی و ایجاد فرصت‌های برابر برای احاد افراد ملت، کنترل تخلفاتی نظیر خرید رأی و تقویت فرهنگ تحزب از جمله اهدافی است که مدنظر مطرح‌کنندگان استانی شدن انتخابات است. برگزاری انتخابات مجلس به صورت استانی منتقدین و طرفدارانی دارد که از زوایای متفاوتی به این موضوع می‌نگرند ولی سوال اساسی این است که آیا تغییرات در سیستم انتخاباتی و برگزاری آن به صورت استانی به اهداف پیش‌بینی شده منتج خواهد شد؟

مسئولیت آن‌ها در چهارچوب پاسخگویی به مراجعان و بررسی مشکلات رای دهندگان می‌شود. درگیری با مسائل خرد و کوچک منطقه‌ای باعث بازماندن نمایندگان از وظایف اصلی خود یعنی نظارت و قانون‌گذاری در چهارچوب ملی می‌شود. همچنین نگاه منطقه‌ای غیرکارشناسی شدن بسیاری از مداخلات، مصاحبات و موضع‌گیری‌ها و در راستای مسائل منطقه‌ای و محلی می‌شود. همچنین با تعریف کردن انتخابات

مجلس در منطقه‌ای بزرگ‌تر، نمایندگان خود را در منطقه‌ای بزرگ‌تر می‌آزمایند؛ به عبارتی با توجه به افزایش تعداد آرای هر نماینده و کسب آن از منطقه‌ای وسیع‌تر بر مشروعیت آن‌ها خواهد افزود، باعث کلان‌نگری نمایندگان خواهد شد و جایگاه ملی آن‌ها را تثبیت خواهد کرد. نیاز نمایندگان به آرای منطقه‌ای آفتی است که آن‌ها را به روزمرگی و امور خرد مجبور می‌کند.

تضعیف نقش پیرامون و شهرهای کوچک
هرچند موافقان استانی شدن معتقدند که از طریق اجرا آن می‌توان کیفیت عملکرد نمایندگان را افزایش داد ولی در مقابل منتقدین اعتقاد دارند که شهرهای با جمعیت تاثیر بیشتر در انتخاب نمایندگان خواهند داشت و این موضوع می‌تواند سبب عدم توازن قدرت در استان‌ها شود و مناطق دور دست و کم جمعیت را به حاشیه ببرد. به ویژه در استان‌هایی که مرکز به لحاظ جمعیتی فاصله زیادی با شهرستان‌ها دارد. حتی در صورت انتخاب نماینده صرفاً با رای استانی و بدون در نظر گرفتن سهمیه برای شهرستان‌ها شهرهای کوچک‌تر نماینده‌ای را در مجلس نخواهد داشت. تحت الشعاع قرار گرفتن انتخابات با آرای مراکز استان و شهرهای بزرگ سبب عدم توجه کافی به مناطق پیرامونی، شهرستان‌ها و مناطق دور افتاده می‌شود و این باعث عدم پیگیری مطالبات و پروژه‌های این مناطق خواهد شد.

مبارزه با فساد مالی و رانت در انتخابات
این طرح در ابتدایی‌ترین تحلیل به افزایش هزینه‌های انتخاباتی بخصوص افراد مستقل منجر می‌شود؛ زیرا وسعت حوزه انتخابیه مخاطب یک نامزد را از یک یا دو شهرستان به یک استان افزایش می‌دهد. بسیاری اعتقاد

شوشتری دیگر نماینده مجلس معتقد است: در حال حاضر وقتی نماینده‌ای حوزه انتخابیه‌ای متشکل از یک تا چند شهرستان دارد، درست است که درگیر مسائل روز مره، جاری و جزئی می‌شود ولی از سوی دیگر حلقه واسطی بین راس راهبردی نظام با کف جامعه است.

در مجموع بزرگترین نقطه ضعف طرح، از نگاه نگارنده، تمرکز قدرت روی مراکز استان است. در واقع در صورتی که انتخابات به صورت استانی برگزار شود، نامزدهای مستقر در شهرستان‌ها، امکان رقابت با نامزدهای مراکز استان را ندارند. حتی می‌توان مسئله را به این شکل تعبیر کرد که استانی کردن انتخابات مجلس، به معنای حذف شهرستان‌های غیرمرکز از دایره رقابت است.

در مجموع به نظر می‌رسد پس از بررسی امکان و زمینه قانونی برای این تصمیم، لازم است آن را به تفکیک ظرفیت استان‌ها به محک بررسی بگذاریم. مثلاً

سرازمیری امکان رقابت، به سمت مرکز استان

تحلیلی بر طرح استانی شدن انتخابات با توجه به نظرات موافق و مخالف آن

تکنش

گروه سیاسی: استانی شدن انتخابات، مسئله و موضوعی است که در چند ماه اخیر، احیا شده و دوباره در مجامع طرح و بررسی می‌شود. این طرح موافقان و مخالفان؛ و پرشمارتر از آن «ممتنعانی» دارد که هنوز به جمع‌بندی نهایی در مورد آن نرسیده‌اند.

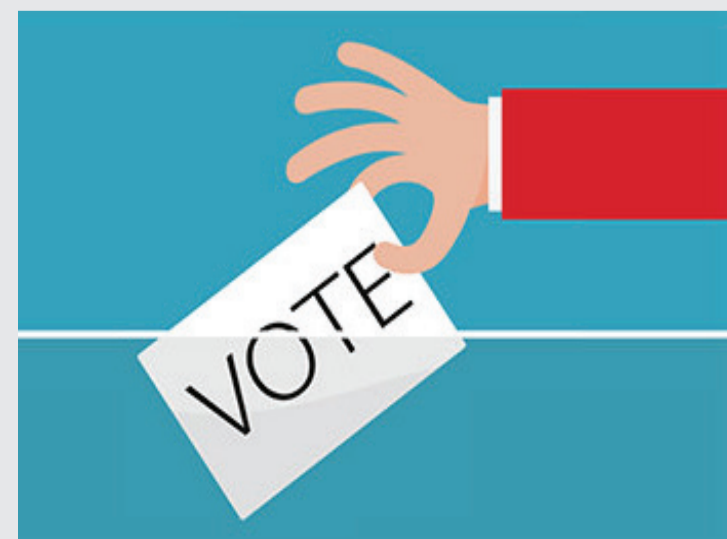
از منافع این طرح، بیشتر به این نکته اشاره می‌شود که استانی شدن حوزه‌های انتخابیه، راه حل مناسبی برای یکی از مهمترین آسیب‌های جاری در مورد نمایندگان مجلس است. آسیبی که چند وقت قبل، کریمی قدوسی هم به صورت صریح به آن اشاره کرد: مراد نمایندگان با نهادهای قدرت، بر سر منافع محلی. مثلاً قول گرفتن از وزیر برای چند تن قیر، در ازای پس گرفتن امضای استیضاح، یا بسیاری از موارد مشابه دیگر!

دیگر نکته این است که با گسترده شدن دایره حوزه‌ها انتخابیه، توقعات رای‌دهندگان و به تبع آن، شعارهای

عبدالرضا مصری، نماینده حال حاضر مجلس در این باره می‌گوید: استانی شدن انتخابات توقعات مردم از نماینده در سطح جغرافیایی کوچک مانند روستاها را کم می‌کند و باعث می‌شود نماینده‌ها بتوانند به مباحث کلان کشوری و استانی بیشتر ورود کنند. نکته دیگر، کاهش رقابت‌های قومی و قبیله‌ای در انتخابات استانی است.

که به تدریج، این احساس نیاز، احزاب را به جایگاه واقعی خود در یک نظام دموکراتیک برساند. از جمله نکات منفی مهم این طرح نیز به کم شدن امکان دسترسی مردم و امکان بیشتر رقابت برای کسانی که تمکن مالی بیشتری دارند صحبت می‌شود. گاهی مناطق کم‌جمعیت به میان می‌آید. هادی

انتخاباتی نیز گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شوند. در واقع دیگر نماینده‌ها با وعده استان کردن یک شهرستان، یا شهرستان کردن یک بخش یا حتی بخش کردن یک دهستان، رای جمع نمی‌کنند. تصور موافقان این است که آن‌ها نمی‌توانند سراغ تک تک مناطق استان رفته و با وعده آسفالت جاده و تاسیس سیستم فاضلاب و موارد مشابه، رای بگیرند!



اما و اگرهای استانی شدن انتخابات

دیدگاه



شورش عینی
روزنامه نگار

هر شهروندی باید برای ساختن شهر خود احساس مسئولیت کند، انتخابات گامی مهم است تا ما بتوانیم با انتخاب نیروهای شایسته و جوان که افق دید وسیعی برای ساختن و آبادانی وطن و شهر خود دارند، مسئولیت مدنی و اجتماعی خود را برای ساختن شهرمان انجام دهیم.

استانی شدن انتخابات مجلس، چندین سال پیش مطرح شد. با تصویب این لایحه، دیگر شهرستان‌ها حوزه انتخابیه نمایندگان

از جمله اهداف این لایحه که در آن زمان مطرح شد، می‌توان به تمرکز نمایندگان بر امور ملی و پرهیز از صرف اوقات برای امور جزئی، ارتقای سطح کیفی مجلس، حذف اختلافات شدید قومی و قبیله‌ای، کنترل تخلفات انتخاباتی از جمله خرید رای و

نیستند و نمایندگان برای ورود، مستلزم به عبور از فیلتری بزرگ‌تر یعنی استان هستند. بنابراین با استانی شدن انتخابات تعداد حوزه‌های انتخاباتی از ۲۰۷ به ۳۱ حوزه که تعداد استان‌های فعلی کشور است، تغییر می‌یابد.



می‌شود و اگر مردم حوزه‌های کم جمعیت، رای خود را واجد اثرگذاری لازم در کل استان نبینند، از مشارکت سیاسی کناره‌گیری می‌کنند. با توجه به دلایل مذکور بسیاری کاهش مشارکت مردم را از پیامدهای استانی شدن انتخابات می دانند ولی موافقین بر این باورند که اگر فرمانطقه ای بودن عامل کاهش مشارکت بود باید در انتخابات ریاست جمهوری نیز چنین تأثیری دیده می‌شد.

تحرز، کلید موفقیت

طبق طرح‌های پیشنهادی کل و یا بخشی از آرای استانی تعیین کننده نتیجه انتخابات خواهد بود. طرح استانی شدن دست احزاب را در رقابت حزبی باز خواهد گذاشت و رقابت حزبی بیش از رقابت مردمی تقویت می‌شود و رابطه نماینده با توده‌های محروم جای خود را به رابطه با احزاب می‌دهد. کارکرد دیگر احزاب برقراری ارتباط بین مردم و حاکمیت است؛ رابطه ای که پس از تغییر جایگاه مجلس تضعیف خواهد شد. از جمله نقاط ضعف این طرح کاهش احتمال انتخاب آگاهانه از بین کاندیداهای پر تعداد استان است زیرا مردم فرصت و انگیزه لازم برای بررسی همه نامزدهای یک استان را نخواهد داشت. این نکته خود مبین اهمیت ویژه تحرز و نقش مهم احزاب در اجرای

صحیح استانی شدن انتخابات است. اگرچه موارد فوق‌الذکر باعث تقویت احزاب در عرصه سیاسی خواهد شد ولی آیا احزاب چنین ظرفیتی را دارا هستند؟ در سال‌هایی که نام و نشانی از احزاب مدرن امروز در کشور ما وجود نداشت، ایلات، عشایر و طوایف و اقوام در شکل سنتی با ساز و کار بومی در انتخابات حضور داشتند و نقش احزاب را ایفا می‌کردند که هنوز هم بصورت نیمه مدرن حداقل در ۱۸ استان مرزی و قومی این رفتار بقوت خود باقی است. اما با گسترش آگاهی‌های عمومی و سیاسی، رسانه‌ها، صدا و سیما و وسایل ارتباط جمعی و تشکلهای سیاسی و مدنی در قالب احزاب، میدان دار جریانات انتخابات شده‌اند. احزاب

نتیجه‌گیری

طرح استانی شدن انتخابات چه به صورت انتخاب از کل آرای استان و چه به صورت محاسبه آرای استانی به عنوان بخشی از آرا و چه به صورت انتخاب از بین کاندیداهایی که درصد مشخصی از آرای شهرستانی را کسب نموده اند ظرفت‌هایی خواهد داشت. ابهام در مورد چگونگی برگزاری انتخابات دور دوم یا میان دوره ای، کاهش نظارت نماینده بر حوزه استانی در زمان انتخابات و ضعف در رسیدگی به مطالبات کل استان به علت عدم شناخت کافی نماینده از نقاط مختلف استان،

مورد توجه باشد این است که کشور ما دارای قومیت‌ها، مذاهب و زبان‌های مختلف است که در حال حاضر از تمامی آن‌ها در مجلس نماینده وجود دارد و هرگونه تغییر باید به گونه ای باشد که این وضعیت دچار اختلال نشده و خدشه ای انسجام ملی وارد نگردد. به طور مثال در استانی مانند آذربایجان غربی در صورت برگزاری انتخابات به صورت استانی شاید کرد زبانان این استان که جمعیتی در حدود یک چهارم تا یک سوم استان را شامل می‌شود و یا ترک‌های ساکن استان کردستان که جمعیتی مشابه در این استان دارند سهم کمتری از نمایندگان استان را کسب کنند و یا حتی نماینده ای در استان نداشته باشند. حتی در صورت ترکیب ساختار انتخاباتی شهرستان و استان کرد زبانان حوزه نطقه و اشنویه با توجه به رای اکثریتی ترک‌های استان احتمال انتخاب نماینده در ادوار بعدی را به کل از دست بدهند. به همین دلیل باید توجه ویژه‌ای به تأثیر تغییر ساختار انتخاباتی داشت به گونه ای که همه اقلیت‌ها و تنوع‌ها امکان تمثیل در مجلس شورای اسلامی را داشته باشند چرا که عدم تمثیل تنوع‌ها در یکی از ارکان اصلی حکومت باعث رنجیدگی در بلند مدت و واگرایی خواهد شد.

رابطه منتخب و مردم و میزان مشارکت

یکی از مهمترین مباحث مطرح شده در خصوص پیامدهای استانی شدن انتخابات کاهش مشارکت مردم و همچنین فاصله گرفتن منتخبین از مردم است. با وسیع تر شدن حوزه انتخابیه دسترسی کاندیداها به همه سطح استان و مردم آن در مدت محدود زمان تبلیغات ممکن نیست و عملاً فاصله بین نمایندگان و مردم از زمان انتخابات آغاز خواهد شد. نمایندگان پل ارتباطی مردم و نظام هستند و با تصویب این طرح ارتباط مردم با نمایندگان قطع می‌شود و به عبارتی پلی که بین مردم و حاکمیت بود از بین خواهد رفت. از طرفی این طرح به تأثیرگذاری نهادهای قدرتمند و چهره‌های شاخص هر استان در نتیجه انتخابات منجر

دارند این طرح از فروش احتمالی آرا در حد بسیار بالایی جلوگیری می‌کند، چون خرید و فروش در سطح استان مشکل تر است. از طرفی در شرایط فعلی کاندیداها برای ورود به مجلس وعده‌های محلی می‌دهند که بعد از نمایندگی انجام این وعده‌ها بسیار سخت است. ولی مخالفان کلیات طرح استانی شدن انتخابات معتقدند که در این شرایط پول‌های کثیف در انتخابات فعال می‌شود چون کاندیدا برای ورود به مجلس به جای اینکه خود را مدیون مردم بدانند مدیون افرادی است که به آن برای ورود به مجلس کمک کرده است. اگرچه هم موافقان و هم مخالفان در تلاشند تا از تجارت رای جلوگیری کرده و مانع فساد مالی ناشی از انتخابات شوند ولی شاید تغییر ساختار انتخابات راه حل مناسبی برای رسیدن به این هدف نباشد و ساز و کارهای دیگری مانند تقویت نظارت بر روند انتخابات، مبارزه با فساد مالی از طریق قوه قضاییه و نیز ایجاد کانال‌هایی قانونی برای جریان قابل رصد مالی در انتخابات راهکار مناسبتری باشد.

از زاویه اقوام ایران

با توجه به تنوع قومی کشور بخصوص اینکه در برخی استان‌ها این تنوع بسیار پیچیده است نیاز به تحلیل تغییر در انتخابات از زاویه قومیتی ملموس تر می‌گردد. منتقدان معتقدند بی‌تفاوتی و بی‌انگیزه گی مردم در امر انتخابات و کاهش شورای انتخاباتی در سطح استان‌های مرزی و قومی از پیامدهای استانی شدن انتخابات خواهد بود ولی موافقین بر این باورند که این طرح علیرغم اعتقاد بسیاری باعث بروز اختلافات قومیتی نمی‌شود. ولی در نظر گرفتن برخی موارد استثنائات از جمله آن عدم اجرای انتخابات به صورت استانی در برخی نقاط کشور مانند سیستان و بلوچستان یا قروه کردستان در طرح‌های اولیه نشان از احتمال بروز مشکلات در مناطق قومیتی دارد. چنانچه برخی از نمایندگان وقت نیز با اشاره به حساسیت‌های قومی مخالفت خود را بر برگزاری انتخابات به صورت استانی اعلام کرده بودند. آنچه که باید

قدرت یافتن احزاب، لازمه و زمینه استانی شدن انتخابات است.

به بیان بهتر، لازم است قبل از تصویب و اجرایی شدن طرح، احزاب در استان‌های غیر از تهران نیز جان بگیرند و توان تأثیرگذاری خود را به دست بیاورند. در شرایط فعلی فقط در بعضی کلان‌شهرهای مرکز استان، می‌توان قائل به ساختار حزبی به شکل مورد نظر و قابل قبول بود. آن زمان، می‌توان در مورد تأثیرگذاری استانی شدن انتخابات مجلس، در رفع نواقص فعلی این انتخابات صحبت کرد و نتیجه گرفت.

تمام این صحبت‌ها، فقط روند تحلیل و بررسی ابعاد ماجرا است وگرنه حمیدرضا کاظمی، به نظر، به درستی اعلام کرده مخالفت شورای نگهبان با اصل قانونی استانی شدن، با اصلاح موارد آن، تغییر نخواهد کرد. یا به تعبیر هادی شوشتری: «نظام تصمیم‌گیری در کشور به جمع بندی نهایی در این زمینه نرسیده است.»

انتخابات رای مردم مشهد خواهد بود.

به این ترتیب مراکز استان سهم خودشان را از نمایندگان افزایش می‌دهند و شهرستان‌ها تأثیر کمتری را در مجلس خواهند داشت.

این نکته که وعده‌های انتخاباتی، سطحی نازل دارد و گاهی یک نامزد با وعده ساخت یک کارگاه یا کارخانه سعی در جذب رای دارد، مربوط به وسعت حوزه انتخابیه نیست. چنانکه اگر چنین بود، حوزه‌های انتخابیه کم‌جمعیت‌تر که مثلاً ۵۰ تا ۱۰۰ هزار رای دهنده دارند، باید بیشتر دچار این آسیب می‌شدند تا حوزه‌های دارای ۵۰۰ هزار رای‌دهنده یا بیشتر!

در مجموع به نظر نمی‌رسد استانی شدن انتخابات مجلس، مشکلات حاضر را درمان کند، در عین حال مشکلات جدیدی قطعاً ایجاد خواهد شد که نمی‌توان آن‌ها را در نظر گرفت. در واقع باید به این نکته اذعان کرد که تعبیر رسول خضری، نماینده فعلی مجلس در این‌باره درست است و



مجلس هم اتفاق خواهد افتاد. در همان مثال ذکر شده، نامزدهای نیشابوری و سبزوری، آرای همدیگر با توجه به رقابت ایجاد شده در سال‌های اخیر، خنثی خواهند کرد و در نهایت تعیین کننده

روستاها و حتی گاهی دو محله در یک روستا یا شهر، با هم دچار رقابت و حتی تقابل هستند.

به عنوان نمونه در انتخابات مجلس خبرگان که به صورت استانی برگزار می‌شود می‌توانیم نمونه‌های واضحی را بباییم که یک فرد به خاطر اهلیت یک شهر، بدون آنکه به خوبی شناخته شود، در آن شهر رایي حداکثری جذب کرده است. این مسئله قطعاً در انتخابات استانی

در استانی مثل سیستان و بلوچستان که هنوز ریش‌سفیدها تعیین‌کننده اهداف و تصمیم‌گذار هستند، استانی شدن، یک فضا را ایجاد می‌کند و در استانی مثل تهران، با توجه به اهمیت خود پایتخت و تأثیرگذاری قطعی آن در جمع آرای استان، نتیجه کار به شکل دیگری خواهد بود.

با این حال به نظر می‌رسد، استانی شدن انتخابات، فواید و امتیازهایی که موافقان طرح در موردش تصور می‌کنند را به ارمان نخواهد آورد. مثلاً تأثیر قومیت‌ها کمتر نمی‌شود، بلکه ابعاد آن گسترش می‌یابد. مثلاً در همین استان خراسان رضوی که نگارنده ساکن است، حتی یک درصد امکان ندارد که یک نامزد نیشابوری بتواند در سبزوار ستاد انتخاباتی تاسیس کند.

متأسفانه زیرسازی فرهنگی طوری انجام شده که در نقاط مختلف، شهرها با یکدیگر، استان‌ها با هم، بخش‌ها و

از انسان سلب کند و یا در خدمت منافع فرد و یا گروهی خاص قرار دهد.» عملاً طرح استانی شدن این حق را در اختیار صاحبان قدرت و ثروت قرار خواهد داد و دغدغه نوعی فدرالیسم و ایرانستان شدن ایجاد خواهد کرد.»

از زاویه دیگر با انتخاب استانی، لزوماً نمایندگانی شایسته‌تر انتخاب خواهند شد نوعی پیشداوری و قضاوت ناعادلانه است، هم در مجلس موجود و هم در ادوار گذشته شخصیت‌های علمی، سیاسی و مردمی که از شهرهای کوچک به مجلس راه یافته‌اند و در کمیسیون‌ها و هیات‌ریسه نقش‌های مؤثری داشته‌اند کم نبوده‌اند. به تابلوی نمایندگان ادوار نگاه کنید. اما آیا این منتخبین نقش و جایگاه خود را می‌دانند؟

انتخابات به صورت استانی در برخی نقاط کشور مانند سیستان و بلوچستان بود.

ایران دارای نظام پارلمانی مبتنی بر احزاب نیست بلکه احزاب قانونی به عنوان تشکلهای موثر در مردم‌سالاری دینی، پاسخگو کردن دولت‌ها، نظارت همگانی و تربیت کادر می‌تواند تأثیرگذار باشند. اگر عملکرد احزاب به ویژه احزاب با نام و نشان از نظر مردم قابل قبول باشد با جلب اعتماد مردم و ارائه برنامه‌ها مردم به کاندیدای معرفی شده آن‌ها رای خواهند داد. حق حاکمیت مردم که در اصل ۵۶ قانون اساسی آمده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را



تحقق شعار امسال و ایجاد پستوانه ای قابل اتکا در جهت رونق تولید داخلی هر چند عزمی عمومی را طلب می کند اما پیش نیازهایی وجود دارد که بر مبنای آن ماموریت مشترک قوا و دستگاه های نظام تعریف و مشخص می شود.

اندک زمانی پس از اعلام شعار سال، این عنوان در گفت و گوهای نخبگان و چهره های شاخص کشور در عرصه های گوناگون، افکار عمومی، تبلیغات رسانه ای و به عبارتی فضای حقیقی و مجازی به شکلی ویژه برجستگی یافت تا موجی از همراهی و تبعیت از پشتیبانی کالای ساخت کشور به راه افتد.

هر چند ایجاد فضا، زمینه ها و در مجموع فرهنگ سازی میان مصرف کنندگان داخلی به منظور اقبال به تولیدات ایرانی و در وهله بعدی تلاش به منظور تسخیر بازارهای خارجی مسیر کلی حمایت از کالای ایرانی را مشخص می سازد اما هر یک از نهادهای حاکمیت به عنوان حلقه ای در زنجیره تصمیم سازی، کارشناسی، تدارک، اجرا و نظارت بر فرایند تحقق این هدف با مسوولیت و کار ویژه های خاص خود مواجهند.

در نگاه نخست، بخش عمده مسوولیت ایجاد رونق در تولید ملی بر عهده دستگاه اجرایی است که باید از طرفی بسترساز جلوگیری از واردات کالاهای غیر ضروری و قاچاق، حمایت از بنگاه های تولیدی و تسهیل فرایند تولید داخلی، توسعه تجارت و صادرات کالاهای ایرانی، تغییر الگوهای مصرف در جامعه و... شود و نیز شهروندانی که با درک ضرورت های اقتصادی کشور همراهی و همدلی ویژه ای را در این زمینه نشان دهند، اما همچنان که اشاره شد هر دستگاه حاکمیتی در این جهت سهمی مجزا و منحصر به فرد دارد. درک ضرورت های حرکت به سوی تقویت بنیه و توان تولیدی کشور عاملی بود که سبب شد مجلس شورای اسلامی سال گذشته «کمسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی» را تشکیل دهد و اعضا و هیات ریسه این کمسیون نیز اسفندماه پارسل انتخاب شدند. بنابر تازه ترین اعلام، ماموریت کنونی این کمسیون روی بررسی طرح اصلاح قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در

بسیار تلاش شد تا القا شود افزایش لجام گسیخته نرخ ارز به فعالیت های یک دستگاه نظامی در کشور، با هدف وارد کردن فشار به دولت برای اخذ امتیازات و امکانات اقتصادی بیشتر، مربوط است.

همزمان در میانه حملات و هجمه ها به دولت جمهوری اسلامی ایران، برخی رسانه های داخلی نیز به جای کمک به برقراری ثبات در بازار ارز، از فرصت اختلال ایجاد شده در آن طی روزهای اخیر استفاده کرده و موضوع ارز، برجام و تلگرام را به هم گره زدند.

موضوع استغای محمدعلی نجفی شهردار پایتخت به پیشانی رسانه ها نشست و در فضای مجازی گر گرفت، مساله ای که اتفاقا در جوامع مدرن، کناره گیری از مسوولیت در یک روند دمکراتیک، امری طبیعی می نماید و خاصه این که این بار نیز از قضا موضوع استغای شهردار تهران نه موضوعیت سیاسی بلکه یک عارضه جسمانی و بیماری بوده که از آن در تعبیری وارونه به عنوان یک موضوع سیاسی در برخی رسانه ها قلمداد شده است.

موضوع افزایش نرخ دلار طی روزهای اخیر و در آغاز سال جاری که مسئولان دولتی و نهادهای اقتصادی تصمیم ساز و تصمیم گیر پس از خلاء زمانی تعطیلات نوروزی هنوز به طور جدی در حوزه کنترل بازار ارز وارد عمل نشده بودند، از دیگر موضوعاتی بود که مستمسک برخی رسانه های نوشتاری قرار گرفت، بطوری

حمایت از کالای ملی از شعار تا عمل



تأمین نیازهای کشور و تقویت آن ها در امر صادرات تمرکز یافته است. همچنین بر اساس آخرین تصمیمات و به موازات اعلام معاون اول رییس جمهوری مبنی بر ممنوعیت دستگاه های اجرایی برای استفاده از بودجه دولتی به منظور کالاهای مشابه خارجی، اعضای کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی بر استفاده دستگاه های مزبور از کالای ایرانی و اهتمام دولت به بهره گیری بیشتر از پیمانکاران داخلی تاکید کردند.

همگام با قوای اجرایی و مقننه، قوه قضاییه نیز مسوولیت سنگینی را در زمینه سازی رونق تولید داخلی برعهده دارد که از آن جمله می توان به مبارزه با مفاصد اقتصادی و برخورد قاطع با معضلاتی چون قاچاق کالا، رانت

خواری، حیف و میل اموال و منابع عمومی و... اشاره کرد. با وجود این کار ویژه های منحصر به فرد، بسیاری از صاحب نظران بر ضرورتی انکارناپذیر برای ایجاد تحول اقتصادی اتفاق نظر دارند و آن ایجاد شفافیت در اقتصاد کشور است.

از دید کارشناسان، بسیاری از معضلات مزمن یا مقطعی در اقتصاد در زوایای تازیک ساختار اقتصادی کشور شکل می گیرد، ریشه می دواند و هر بار مشکلی تازه را به بار می آورد تا جایی که نوسانات اخیر بازار ارز نیز از همین منظر با عملکرد بسیاری از عوامل ناپیدای تاثیر گذار بر اقتصاد پیوند می یابد.

شکل گیری فضای شفاف برای فعالیت های اقتصادی از جمله وعده هایی بود که دولتمردان کنونی بارها آن را مطرح ساخته و در مقاطعی

چون انتشار مساله حقوق های نامتعارف بر آن تاکیدی ویژه داشتند؛ هدفی که البته در همان مقطع نیازمند همراهی و همکاری دیگر دستگاه های حاکمیت عنوان شد. در ادامه باید گفت نامگذاری امسال با عنوان حمایت از کالای ایرانی یادآور اهمیت شفاف سازی در اقتصاد کشور و دربردارنده ضرورت هایی است که با این مهم ارتباط می یابد.

آنچه مشخص است اینکه با توجه به شرایط بین المللی و افزایش خصومت ورزی کشورهایی چون آمریکا استفاده از منابع و سرمایه گذاری های خارجی با چالش های بیشتری روبرو است و سرمایه های داخلی نیز در فضای غیر شفاف و ناامن اقتصادی قابلیت تزیق به پیکر تولید داخلی را نمی یابد.

به همین خاطر علاوه بر دولت، نیاز به توان مضاعف و ماموریت ویژه کارشناسی، قانونگذاری و نظارتی مجلس برای فسادزدایی، پاکسازی و شفاف سازی اقتصاد به شدت احساس می شود علاوه بر آنگاه دستگاه های زیرمجموعه قوه قضاییه نیز برای این مهم مسوولیتی انکارناپذیر و غیرقابل چشم پوشی را بر عهده دارند.

جهانی سازی کالای ایرانی با حمایت از تولید ملی

حمایت از تولید داخلی، هسته مرکزی سیاست های اقتصاد مقاومتی است که تحقق آن به ارتقای سطح کیفی محصولات وطنی در راستای جهانی سازی این تولیدات نیازمند است.

با توجه به اهمیت نامگذاری سال ۹۷ باید گفت که این انتخاب نخست از آگاهی و شناخت ایشان از مسائل و ضرورت های جامعه در همه حوزه ها اعم از سیاسی تا اقتصادی و فرهنگی حکایت دارد و دوم گویای دغدغه مندی معظم له نسبت به مسائل و مشکلات کشور از یک سو و از طرفی الزامات توسعه ای و آینده نگری در راستای تحقق چشم اندازهای ترسیم شده برای ایران اسلامی است.

چنانچه به تاریخچه نام گذاری سال ها طی سه دهه اخیر از سوی رهبری نگاهی گذرا داشته باشیم در می یابیم که در کنار تاکید بر اخلاق انسانی-اجتماعی، معنویت و دین؛ رفع مشکلات اقتصادی و تلاش برای تحقق توسعه همه جانبه وجه بارز و مهم نامگذاری های ۲۹ سال اخیر بوده است.

در بیانات رهبری تاکید بر الزامات اقتصاد مقاومتی و به ویژه تولید داخلی نمود دارد. تولید داخلی یکی از بندهای بیست و چهارگانه سیاست های اقتصاد مقاومتی است که در بهمن ماه ۹۲ ابلاغ شد. ایشان ضمن ابلاغ سیاست های کلی «اقتصاد مقاومتی» بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، تاکید کردند: پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد، همچنین اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحران های رو به افزایش جهانی، الگویی الهام بخش از نظام

تاکید قرار داد و هدایت نقدینگی به سمت بازارهای تولیدی را یک اقدام پسندیده دانست، اما فعالیت های دولت در زمینه دیپلماسی اقتصادی را ضعیف خواند. سرورش خسروی دبیر گروه بانک و بورس روزنامه همشهری، از دیگر کارشناسانی که در شماره روز دوشنبه این روزنامه در یادداشتی با عنوان "سونامی انتظارات در بازار ارز" به این موضوع پرداخته و نوشت یکی از اشکالات اساسی در بازار ارز ایران نبود بازار متشکل برای کشف نرخ منصفانه ارز و پوشش نرخ ریسک نوسان های ارزی برای تولیدکنندگان و بازرگانان است که برای کشف قیمت منصفانه و واقعی در هر بازاری شناسایی میزان عرضه و تقاضا و بازیگران آن بازار از مهمترین اولویت ها است.

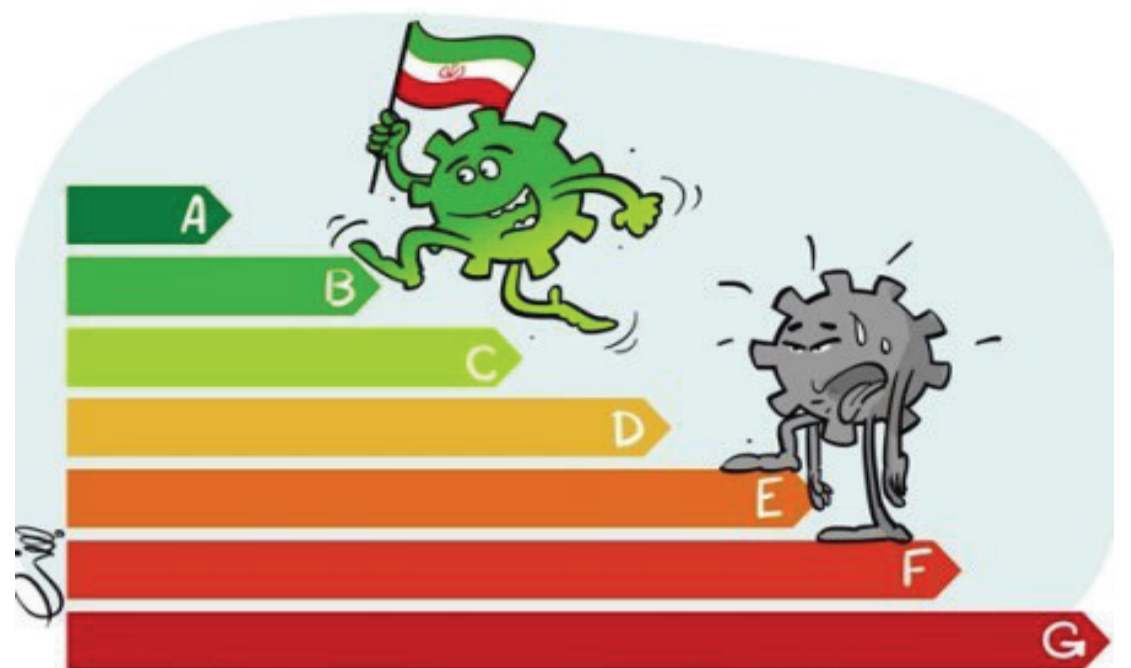
به اعتقاد خسروی، تداوم شرایط فعلی و تزیق ارز از مسیر غیرشفاف چهارراه استانبول، جز ادامه چرخه باطل کنونی و توزیع رانت حاصل دیگری نخواهد داشت. روزنامه شهروند اما نسبت به ماجرای دلار، خرید اسکناس های آمریکایی را پرسش برانگیز دانست و افزایش تقاضا در بازار ارز را مشکوک ارزیابی کرد.

این روزنامه همچنین از قول محمد خوش چهره از کارشناسان حوزه اقتصادی و از چهره های اصول گرا، خواستار تشکیل نشست اضطراری شورای عالی امنیت ملی در رابطه با مدیریت بازار ارز شد و همه این موضع گیری ها در حالی بود که هنوز اسحاق جهانگیری معاون اول رییس جمهور، خبر تک ترخی شدن ارز و تثبیت نرخ بر روی ۴ هزار و

۲۰۰ تومان را اعلام نکرده بود. **پروژه اختلاف افکنی** همزمان با التهابات در بازار ارز و انتشار انواع و اقسام خبرهایی در این زمینه، برخی شایعات نیز در سطح رسانه و فضای مجازی به گردش درآمد. از جمله روزنامه شهروند با پردازش و بازآفرینی مصاحبه حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی که در خبرگزاری ایلنا منتشر شده بود، به آن اشاره ای کرد و به نقل از وی شایعات مربوط به کناره گیری اسحاق جهانگیری معاون اول رییس جمهوری به دلیل اختلاف نظر با محمود واعظی رییس دفتر رییس جمهوری را رد کرد.

برخی از روزنامه ها نیز از شایعات در این زمینه ها پا را فراتر گذاشته و حتی به نقل از منتقدان دولت، موضوع ناکارآمد جلوه دادن دولت و رییس جمهوری را مطرح کردند و با این استدلال، بحث ضرورت انتخاب "رییس جمهور نظامی" در انتخابات آینده را پیش کشیدند.

تصویری که این روزها از روند تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ایران، در شبکه ها و فضای مجازی و حتی رسانه های داخلی، با کمک رسانه های معاند و نیز رسانه ها و شبکه های بین المللی ضدایرانی عرضه می شود، تصویری یاس آلود و ملتهب است. بی تردید حرجی بر رسانه های معاند و نیز رسانه های ضدایرانی عرب و اروپایی نیست، اما "تصویرسازی هایی اینچنینی در داخل به چه قیمتی؟"، سوالی که باید برای آن پاسخی آماده کرد.



مناسب در این زمینه بازمی گردد. غافل از اینکه تقویت گردشگری داخلی به توسعه شهرها و روستاها، اشتغال زایی، رونق بازار صنایع دستی، حفظ فرهنگ بومی، تقویت وحدت و همبستگی میان اقوام و ممانعت از خروج ارز منتهی خواهد شد.

بزرگ ترین چالش پیش روی توسعه صنعت گردشگری، توسعه نیافتگی زیرساخت ها است که علاوه بر کاهش تمایل به سفر داخلی، به توزیع نامناسب گردشگران در استان ها منجر شده است. ایام نوروز و تعطیلات تابستانی دوره اوج گردشگری داخلی به شمار می رود. بیشترین سفرها در این بازه زمانی صورت می گیرد به طوری که همه ما حداقل یک بار سفر داخلی در نوروز را تجربه کرده و با کمبود امکانات و شلوغی روبه رو شده ایم.

نبود زیرساخت های لازم مانند هتل، مسافرخانه، مهمانسرا، سرویس های بهداشتی، مراکز تفریحی، رستوران و غیره در بسیاری از شهرهای کوچک یا حتی بزرگ مانع توزیع مسافران در کشور شده است. نارضایتی از خدمات رفاهی و بهداشتی در طول مسیر، نایمن بودن جاده ها، نبود مسیرهای ریلی برای برخی شهرها و گرانی قیمت بلیط هواپیما تمایل مردم به سفرهای داخلی را کم کرده است.

از ظرفیت های پر شمار آن شده است. ویژگی های منحصر بفرد آب وهوایی و تنوع طبیعی، ایران را در ردیف قطب های گردشگری جهان قرار داده است. کمتر کشوری را می توان یافت که هم زمان چهار فصل را بتوان در آن یافت. شمال سرسبز و پرباران، غرب کوهستانی و برفی و جنوب آفتابی و گرم در کنار ظرفیت های تاریخی و سلامت؛ سلیقه و مطالبه هر گردشگری را در ایران برآورده می سازد.

به رغم تمام ظرفیت های موجود و جایگاه ویژه گردشگری در سیاست گذاری ها و اسناد بالادستی کشور اما صنعت گردشگری ایران چه در عرصه بین المللی و چه داخلی جایگاه خود را آنگونه که باید به دست نیاورده است. براساس تازه ترین گزارش ها، بیشترین گردشگران خارجی ترکیه را در ژانویه ۲۰۱۸ گردشگران ایرانی تشکیل داده اند. آمار بالای ورود گردشگران ایرانی به کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترکیه بیش از آسیب خروج ارز از کشور، تمایل بالای ایرانیان به گردشگری خارجی و مغفول ماندن گردشگری داخلی را نشان می دهد.

عوامل گوناگونی مانع رشد گردشگری داخلی در کشور شده است که مهمترین آن به فرهنگ سفر ایرانیان و نبود زیرساخت های

کمک رسانی به زلزله زدگان، توجه به مسائل کودکان بدسرپرست و... به راه افتاد که توانست علاوه بر شبکه های اجتماعی، در فضای حقیقی نیز آثار خود را نمایان سازد.

گرایش به سوی مصرف تولیدات داخلی در سال های گذشته نیز به صورت جسته و گریخته در برخی شبکه های اجتماعی تحت عناوینی چون «ساخت ایران» با معرفی کالاهای ممتاز وطنی آشکار شد اما انقطاع و حوزه محدود چنین کارزارهایی نتوانست آنچنان که باید اهداف اولیه آن را محقق سازد. اکنون اما نامگذاری سال جهت حرکت عمومی دستگاه های حاکمیتی را مشخص ساخته و یکایک شهروندان را مخاطب داده است تا با بهره جویی از راهکارهایی چون طراحی و راه اندازی کارزارهایی مستمر و خلاقانه، فضای عمومی جامعه را در عرصه های مجازی و حقیقی به سوی مصرف کالاهای داخلی و حمایت از محصولات ایرانی هدایت و الگویی تازه را برای زمینه سازی رونق اقتصادی ایجاد و نهادینه کنند.

حال ناخوش گردشگری داخلی

تعطیلات نوروز مناسب ترین زمان برای سفرهای داخلی و آشنا شدن با فرهنگ و رسوم اقوام ایرانی است اما وجود برخی کاستی ها در حوزه گردشگری داخلی مانع بهره برداری

دستور کار قرار گرفت.

با وجود چنین تمهیداتی، بسیاری از تولیدکنندگان داخلی از ضعف حمایت های مالی نظام بانکی و نبود سرمایه کافی برای نوسازی تجهیزات و حتی ادامه روند جاری خود گلایه کرد و خواستار توجه بیشتر به صنایع بومی شده اند. همزمان تغییر ذائقه مصرف کنندگان داخلی، مزایای گروهی از فرآورده های خارجی در کیفیت و قیمت و سودآوری واردات برای برخی بنگاه های تجاری چالش هایی را در فرایند حمایت دولت و سایر دستگاه ها از تولیدات داخلی به وجود آورده است. وجود چالش های متعدد پیش روی اصلاح الگوی مصرف داخلی سبب شده تا ضرورت شکل گیری اراده ای در سطح ملی و فراتر از اقدامات دولتی در شعار امسال انعکاس یابد و مسوولیتی عمومی در زمینه حمایت از کالای داخلی شکل گیرد.

از جمله راهکارهای شروع اقبالی عمومی به محصولات داخلی به راه افتادن کارزارهایی است که طی سال های اخیر اهداف گوناگونی را با درجات مختلفی از ثمربخشی به نمایش گذاشته اند. علاوه بر کارزارهایی سیاسی که در جریان انتخابات اخیر ریاست جمهوری عرصه های حقیقی و مجازی را در نورددید، طی ماه های اخیر کمپین هایی در زمینه

ایجاد تحول در الگوی مصرف داخلی در بسیاری از اقتصادهای نوظهور حرکتی مبنایی بود و به موازات تلاش برای تقویت صنایع داخلی و نیز رقابت پذیری با محصولات خارجی، فرهنگ عمومی شکل گرفت تا پشتوانه مستحکمی را برای شکوفایی بسیاری از صنایع نوپا فراهم سازد؛ فرهنگی که آثار و نمودهای آن را در بازار مصرف کشورهایی چون هند، چین و دیگر اقتصادهای برتر شرقی می توان به چشم دید.

همچنان که اشاره شد، اولین گام برای حمایت از تولیدات داخلی افزایش توان رقابت کالاهای ایرانی با نمونه های خارجی است. این در حالی است که طی سال های منتهی به ابتدای دهه جاری، ورود سیل آسای اجناس و کالاهای مصرفی خارجی به بازار ایران، ریشه بسیاری از بنگاه های تولیدی داخلی را سوزاند و به تعطیلی بسیاری از خطوط تولید و بیکاری هزاران کارگر انجامید.

با روی کار آمدن دولت یازدهم توقف روند واردات افسارگسیخته و جلوگیری از ورود کالاهای قاچاق و سرزیر شدن آن به بازار داخلی به عنوان یکی از مهمترین بایسته های اقتصادی - تجاری مطرح شد. همزمان طرح هایی چون اعطای کارت های اعتباری به منظور خرید کالای ایرانی در

اگر چه تولید ملی برای تقویت به حمایت و فرهنگ سازی نیازمند است، اما بخش تولید و تولیدکنندگان داخلی نیز برای توسعه و رونق بازار باید سطح کیفی تولیدات و ظرفیت های رقابتی خود را در این زمینه بالا ببرند تا بتوانند علاوه بر جذب ذائقه مصرف کننده و خریدار وطنی در مسیر جهانی سازی کالاهای برندهای ایرانی حرکت کنند.

کارزار ملی برای حمایت از کالای ایرانی
انتخاب شعار سال ۹۷، فراخوانی برای پشتیبانی همه جانبه از تولیدات ملی به منظور رونق صنایع داخلی است که از فضای واقعی تا مجازی امتداد می یابد و نیازمند کارزارهایی متعدد و کارآمد است.

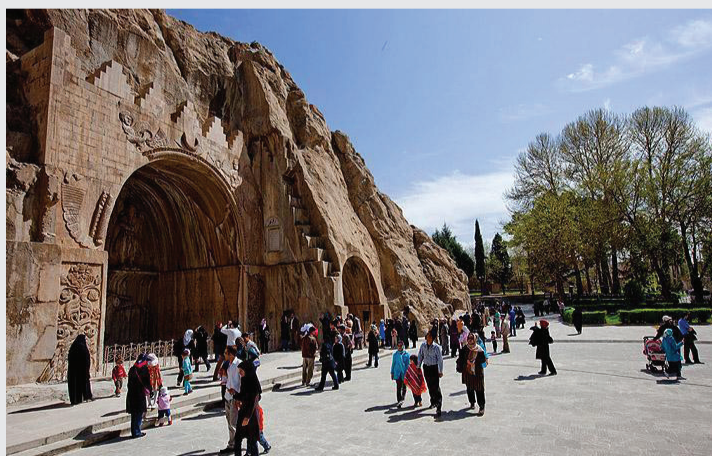
نامگذاری امسال در واقع تمرکز بر یکی از اساسی ترین راهکارهایی است که در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و در بند هشتم آن مبنی بر «مدیریت مصرف با تاکید بر اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید» مورد تاکید قرار گرفته است. به این ترتیب، شعار امسال را می توان تداوم مسیری دانست که طی دو سال گذشته تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» از سوی رهبری ترسیم و طرح ریزی شد.

اشاره



علی نلاری
روزنامه نگار

صنعت گردشگری ایران در دوران پسابرجام



بود. تجهیز ناوگان هوایی کشور، بهبود سیستم حمل و نقل ریلی و جاده ای، صیانت، حفظ و احیای آداب و رسوم و سنن آیینی و تاریخی قومیت ها و نواحی مختلف کشور، آموزش علمی و مدرن مدیران و کارکنان حوزه گردشگری و توریسم، فرهنگ سازی جامعه به منظور تقویت زیرساخت های کشور برای استفاده بلندمدت از مزایای صنعت توریسم به جای منفعت طلبی های مقطعی و زودگذر شخصی، استفاده از تجارب موفق جهانی در حوزه گردشگری به ویژه، ترکیه و امارات و اقدام هایی از این دست به تقویت جایگاه ایران در صنعت توریسم جهانی و گشایش در بسیاری از مشکلات اقتصادی و اشتغال موثر خواهد افتاد.

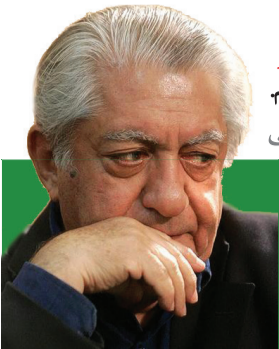


تحمل فرهنگی بالا بوده و اخلاق به عنوان یک اصل اساسی مورد توجه باشد، مسئله فرهنگی شرط لازم و بسیار مهم برای جذب گردشگر محسوب می شود و ملت بزرگ ایران در طول تاریخ، پیروان مذاهب و ادیان مختلف را تحمل کرده و به آن احترام گذاشته است و همواره اقوام و آداب سنن مختلف آنان مورد احترام ملت ایران بوده است.

اصل دوم در موضوع جذب گردشگر سیاست خارجی یک دولت و نحوه ارتباط آن با کشورهای مختلف از پایه های اساسی جذب گردشگر می باشد و اگر شرایط سیاسی و خارجی کشورمان در جهان نامطلوب باشد و نتوانیم به توطئه ایران هراسی غلبه کنیم بدون تردید در جذب گردشگر هم موفق نخواهیم

مختلف را جذب کند اما برای رسیدن به چشم انداز برنامه ششم توسعه و جذب سالانه ۲۰ میلیون گردشگر، نیاز است که اقدامات گسترده ای در بخش زیرساختی و سرمایه گذاری صورت گیرد. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان اصلی ترین متولی صنعت گردشگری کشور در زمان کوتاهی بعد از توفیق، فعالیت خود برای استفاده از فرصت ها و ظرفیت هایی که در فضای پسابرجام ایجاد شد را آغاز کرد. دولت یازدهم در راستای جذب بیشتر گردشگران خارجی اقدام به تسهیل یا لغو شرایط صدور روادید برای بیشتر گردشگران خارجی نمود. به گفته مقامات دولتی در دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران با حدود ۱۲ کشور لغو روادید متقابل نمود و وزارت امور خارجه دولت یازدهم با حدود ۴۰ کشور برای ایجاد شرایط لغو روادید به مذاکره پرداخت. همچنین در دولت دوازدهم به گفته دکتر حسن روحانی در مراسم گرامیداشت روز جهانی گردشگری دو اصل برای توسعه صنعت گردشگری باید مورد توجه قرار گیرد: اولین اصل، مسئله فرهنگی است، باید توجه داشت که با طبیعت زیبا و آثار تاریخی دوره گذشته نمی توان گردشگر جذب کرد. یکی از شرایط شرایط لازم برای جذب گردشگر وجود فرهنگ لازم در این زمینه می باشد. گردشگر به کشوری وارد می شود که با چهره گشاده آن کشور روبرو باشد و در آن جامعه

صنعت گردشگری و جذب توریسم، امروزه نقش وسیعی در توسعه و رونق همه جانبه کشورها دارد به طوری که بسیاری از دولت ها با برنامه ریزی گسترده بر روی صنعت جذب توریسم توانسته اند بر بسیاری از مشکلات اقتصادی و بیکاری خود غلبه کنند. ایران یکی از کشورهای مهم در برخورداری از جاذبه های فراوان برای جذب گردشگر و توریست است. طبق آمارهای سازمان جهانی گردشگری ایران از حیث دارا بودن جاذبه های باستانی و تاریخی در جهان رتبه دهم را داراست و نیز دارای رتبه پنجم جاذبه های طبیعی دنیاست اما با وجود دارا بودن این مزیت ها از میان ۱۵۰ کشور که در سازمان جهانی توریسم عضویت دارند در رتبه ۷۵ قرار دارد. در سال های اخیر و به ویژه دوران پسابرجام، جذب توریست در ایران جهش چشم گیری داشته و رشد ۱۰۰ درصدی را از خود بر جای گذاشته، اما با وجود این رشد که در جذب توریسم در دوران پسابرجام صورت گرفته نمی شود از مشکلات و عقب ماندگی های موجود در ساختار کشور در این حوزه چشم پوشی کرد. طبق آمارهای موجود جهانی به صورت میانگین از هر ۱۲ نفر یک نفر در حوزه گردشگری فعال است و این نشان از اهمیت رشد توریسم بر سایر حوزه ها دارد. ایران به لحاظ پیشینه تاریخی، فرهنگی و تنوع طبیعی قابلیت این را دارد که گردشگران متنوعی در حوزه های



نشان ماندگار
عزت... انتظالمی

● آدرس: تهران - خیابان سنول - کوچه ششم شرقی - پلاک ۲ - واحد ۱
● تلفن: ۸۸۹۸۶۱۴۹
● چاپ: نقش افست گرافیک
● پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

● صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
● سردبیر: امیر حسین مصلی
● تلگرام: @ayatemandegar
● وب سایت: www.ayatemandegar.ir

یادآوری

دکتر سروش در شک و تردید اعتقادی



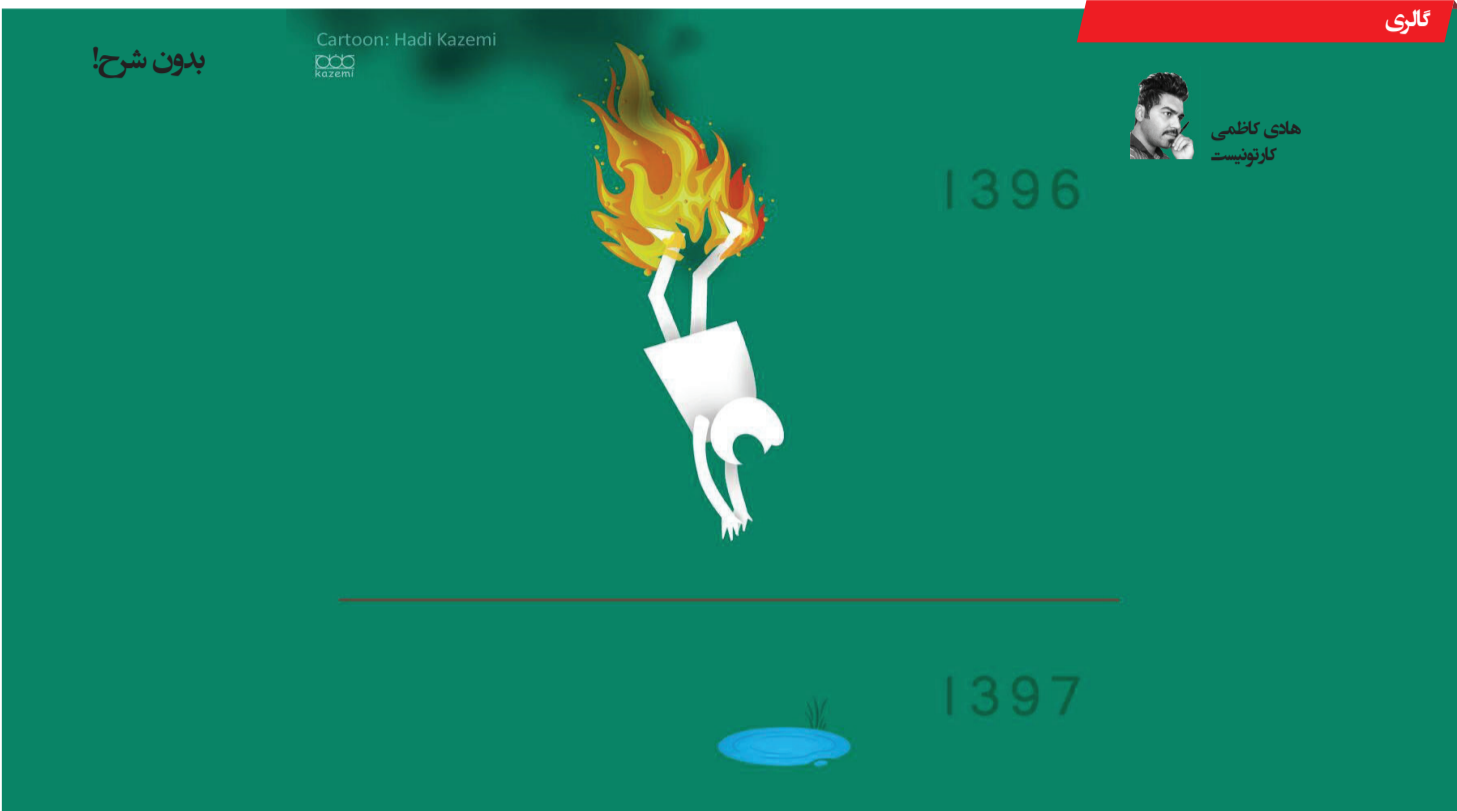
مهدی آیتی
نماینده مجلس ششم

بررسی و مطالعه سیر تفکر دکتر سیدعبدالکریم سروش، فیلسوف معاصر در گفتار و تالیفاتش نشان می‌دهد که وی همانند هر محقق و دانشمند دیگری در برخی زمینه‌های اعتقادی، فلسفی و عرفانی کارش را از یقین شروع کرده و به شک و تردید رسیده است. طبیعی است که هر عالمی ممکن است در سیر تحول و تکامل فکری خود چنین شرایطی را پیدا کند ولیکن آن‌چه جای بحث و تأمل دارد این است که معمولاً عالمان دینی کمتر جرات ساختارشکنی داشته و کمتر شجاعت و جسارت بیان عقلی و حرف دل خود را در حوزه مسائل دینی و اعتقادی دارند. در دنیای فوق پیشرفته علوم تجربی و عقلی دیگر کسی نمی‌تواند همانند قرن‌های گذشته به دین و مذهب نگاه ثابت و جامد داشته باشد و همین تغییر و تحولات شگرف که در زندگی فکری، تجربی و اعتقادی بشر به وجود آمده امثال دکتر سروش را هم از ساحل آرام اطمینان و یقین به دریای مواج شک و تردید کنشانیده است. به طور مسلم امروز کم نیستند عالمان دینی چه در اسلام و چه در سایر ادیان و مذاهب که به اصول و فروع اعتقادات دینی خود با شک و تردید می‌نگرند و پایه‌های عقلی و علمی اعتقادات سنتی خود را احیاناً سست و بی‌اساس می‌بینند. از طرف دیگر بسیار کم هستند کسانی که جسارت و شهامت ابراز و اظهار عقاید خود را داشته باشند. گمان می‌رود اگر وضع به همین منوال باشد چه بسا در سال‌های آینده شاهد اعتراضات جدیدی از سوی سروش، مجتهد شبستری، کدیور و دیگر پژوهشگران دینی و اسلامی باشیم که نه تنها فروع دین، بلکه اصول اساسی اعتقادی اسلام را به زیر سوال ببرند و به چالش بکشند. اگر قبول کنیم که شک و تردید پایه اساسی رشد، تحول و تعالی فکر، اندیشه، علم و دانش بوده و خواهد بود پس جای هیچ‌گونه نگرانی نیست اگر امثال سروش هم از اعتقادات محکم و صلب دینی به عرصه اندیشه‌های پرشک و تردید کشیده شوند و بحث‌های جدیدی را در رابطه با وحی، قرآن، مهدویت و غیره به محافل عمومی بکشانند. اگر امروز می‌بینیم که پاپ فرانسیس، رهبر مسیحیان جهان به بعضی از اعتقادات دینی مسیحیت مثل مسئله آفرینش، شیطان، بهشت و جهنم با شک و تردید می‌نگرد و سخن می‌گوید و باب تازه‌ای را در میان بهت و حیرت اسقف‌ها و کشیش‌های کلیسا می‌گشاید پس بسیار طبیعی خواهد بود اگر در آینده نه چندان دور شاهد آن باشیم که دانشمندان دینی در اصول و فروع اسلام و ادیان دیگر باب‌های تازه‌ای از شک و تردید را باز کنند و چالش‌های جدید اعتقادی را برای مردم مطرح نمایند. به نظر می‌رسد در آینده نزدیک در محث گفت‌وگوی ادیان و مذاهب آن‌چه می‌تواند نقطه اتصال و اشتراک ادیان باشد این است که عالمان ادیان بزرگ جهانی بتوانند به بسیاری از عقاید باطل و سست و خرافی و بی‌اساس دینی خود با شک و تردید بنگرند و باب تحقیق و پژوهش علمی و عقلی را در این مباحث باز کنند و آنگاه شاهد آن باشیم که در اشتراک و تقریب مذاهب آن‌چه در اعتقادات مردم جهان مطرح می‌شود بایستی براساس علم و عقل باشد و آن‌چه به دور از دانش و خرد باشد لاجرم از صفحه تاریخ ذهن بشر پاک‌سازی خواهد شد.

تاری



هادی کاظمی
کارتونیست



بدون شرح!

Cartoon: Hadi Kazemi
kazemi

اطلاعات عمومی

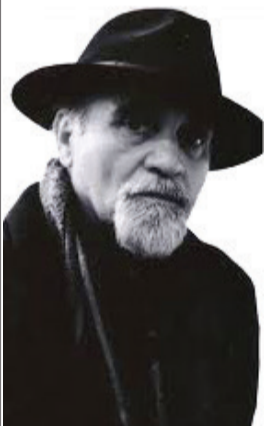
نگاهی به فلسفه گیاهخواری زنده باد زندگی!

گیاهخواری به معنای پرهیز از خوردن گوشت جانوران است که ممکن است شامل پرهیز از غذاهایی مانند مواد شیری که خاستگاه جانوری دارند نیز بشود. چندین نوع گیاهخواری وجود دارد که بسته به نوع آن، جهت گیری گیاهخواران در برابر دام‌ها و فراورده‌های دامی متفاوت است. گیاهخواران در کنار نخوردن و یا کمتر خوردن فراورده‌های جانوری با آزار و کشتار آن‌ها نیز مخالفند. برخی از گیاهخواران از پوشیدن لباس‌هایی مانند چرم، ابریشم، و خز که از کشتن جانوران به دست آمده نیز پرهیز می‌کنند. در وگنیسم (Veganism) که گاهی «گیاهخواری کامل» هم نامیده می‌شود از همه فراورده‌های جانوری، چه از کشتن جانوران به دست آمده باشند و چه با بهره‌گیری از آن‌ها (مانند لبنیات، تخم مرغ، عسل، و...)، پرهیز می‌شود. امروزه در همه کشورهای جهان گیاهخواران وجود دارند و در بعضی کشورها همانند هند، گیاهخواری دارای ریشه‌های تاریخی و مذهبی است با اینکه در پیش گرفتن رژیم گیاهخواری به شیوه‌های گوناگونی امکان پذیر است اما وجه مشترک تمام این شیوه‌ها پرهیز از خوردن گوشت حیوانات خونگرم است. گیاهخواران بر اساس نوع طرز فکر و هدفشان از گیاهخواری به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. وگن (وگنیسم): یک روش تغذیه و زندگی است که هدف آن حذف هر نوع محصول حیوانی چه در غذا و چه در مواد مصرفی است. مهمترین دلایل وگان (وگن) شدن افراد (کسانی که به وگنیسم اعتقاد دارند) مسائل اخلاقی یا رعایت حقوق حیوانات، حفاظت از محیط زیست، حفظ سلامتی، مسائل معنوی یا مذهبی است. بسیاری از افراد وگان با پرورش صنعتی حیوانات و آزمایش روی حیوانات مخالفت می‌کنند. از مهمترین محصولات حیوانی که پاک گیاهخواران (وگن‌ها) از مصرفشان خودداری می‌کنند می‌توان انواع گوشت (گوشت قرمز، مرغ، آبزیان، ماکیان و...)، لبنیات، تخم‌مرغ، عسل، ابریشم، چرم، خز، و... را نام برد و نیز محصولاتی که در آن‌ها از فراورده‌های حیوانی (مانند ژله که از زلاتین بدست می‌آید) استفاده شده‌است.

مشاعر

این چه آوازی است می‌خوانند سوی من؟

من نمی‌دانم
پشت شیشه‌ها، زیر برگان درختان
این چه آوازی است می‌رانند عاشق‌های قایقران به سوی من؟
این چه آوازی است می‌خوانند به سوی من؟
و نمی‌دانم کنارم زیر ابر آتشین نور
کیست می‌خندد چو مستان در سکوت شب به سوی من؟
کیست می‌گرید چو مجنون در پناه عشق سوی من؟
و نمی‌دانم ز روی دیده‌ام که رام و نا آرام
کیست می‌رقصد به سوی این دل آرام، نا آرام؟
مغز من کوهی است، این آواز
جوشش یک جوویبار سرد از ژرفای تاریکی است
برف این آواز،
ذره ذره می‌شیند بر بلند شاخه‌های پیکرم آرام
شاخساران درخت پیکرم از برف،
میوه‌هایش برف،
چون زمستان‌های دور کودکی، دنیای من، رویای من، بر برف
من نمی‌دانم چه دستی گاهوار عشق ما را می‌تکاند
و نمی‌دانم که این ناقوس‌های مهر را در شب،
کیست سوی بازوان و دستهایم می‌نوازد؟
کیست از اعماق تاریکی به سوی سبجه‌هایم نور می‌آید؟
پشت شیشه، زیر برگان درختان، من نمی‌دانم،
این چه آوازی است می‌رانند عاشق‌های قایقران به سوی من؟
این چه آوازی است می‌خوانند سوی من؟



رضابهرانی

ای که دست می‌رسد کاری بکن

یدک می‌کشد و نیک می‌داند که در این مسیر پرسنگلاخ چه مشکلاتی وجود دارد و از طرفی توده‌های مردم خواستار گزارشاتی منطبق با واقعیت‌های جامعه هستند. دوره ارائه گزارش و آمار و ارقام‌های غیرواقعی گذشته و همگان منتظرند تا فضای کشور مخصوصاً در حوزه اقتصادی تغییر کند. کاش دولت‌مردان اعتراضات دی‌ماه سال گذشته را جدی بگیرند، کاش تجمعات هر روزه مال‌باختگان موسسات مالی دغدغه اصلی همه تصمیم‌گیران کشور شود، کاش آقای مشاور رییس جمهور افزایش یکباره نرخ ارز را توطئه قلمداد نکند و بداند که بسیاری از مشکلات ریشه در

سوءمدیریت‌ها دارد، کاش اگر در سیستم اجرایی کشور موازی‌کاری است آقای رییس جمهور شفاف به مردم اطلاع دهند، کاش وقتی شخصیت‌های سرشناس کشور به دلیل رای خود به حسن روحانی در سال ۹۶ ابراز پشیمانی کردند به جای محکوم کردن آن‌ها کمی به عملکرد خودشان فکر می‌کردند، کاش از این به بعد عملکرد دولت به گونه‌ای باشد که همه روسفید شویم و به حمایت خود در ایام انتخابات افتخار کنیم و در پایان جا دارد به این شعر سعدی اشاره شود که می‌گوید: ای که دستت می‌رسد کاری بکن / پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

خبر

ممنوعیت خرید و فروش ارز در صرافی‌ها

معاون ارزی بانک مرکزی گفت: از این پس، صدور حواله ارزی خارج از شبکه بانکی، ممنوع خواهد بود و همچنین بانک‌ها ملزم به خرید اسکناس خرد افراد هستند و صرافی‌ها نمی‌توانند خرید و فروش اسکناس انجام دهند. سیداحمد عراقچی مهم‌ترین موضوع در بازار ارز را جلوگیری از خروج سرمایه و تأمین مالی قاچاق دانست و گفت: در حال حاضر تراز ارزی کشور ما بسیار مطلوب است و هیچ‌گونه مشکلی در تأمین نیازهای کشور نداریم اما نباید شرایط به گونه‌ای باشد که منجر به خروج سرمایه از کشور شود. وی با اشاره به اینکه در پی تصمیم اخیر ستاد اقتصادی دولت، تجارت از حالت بی‌نظمی خارج می‌شود، افزود: فرآیند واردات بدون ثبت سفارش براساس مصوبه هیات دولت، ممنوع اعلام شده و هرگونه واردات که نیاز به تخصیص ارز دارد با ثبت سفارش انجام می‌شود. این مقام مسئول بانک مرکزی در خصوص روش انجام ثبت سفارش تصریح کرد: ثبت سفارش کالاهای وارداتی الزاماً با روش بانکی خواهد بود و این روش به شفافیت بیشتر در واردات منجر می‌شود. به گفته عراقچی، براساس ضوابط جدید تأمین ارز برای واردات از دو طریق قابل انجام است: در وهله اول، بانک با بهره‌گیری از مراودات بانکی خود، ارز مورد نیاز را تأمین می‌کند و در غیراین‌صورت، بانک می‌تواند از طریق صرافی‌های مجاز برای تأمین ارز اقدام کند. معاون ارزی بانک مرکزی ادامه داد: از این پس، صدور حواله ارزی خارج از شبکه بانکی، ممنوع خواهد بود. عراقچی در خصوص واردات بدون انتقال ارز نیز گفت: این موضوع طبق ضوابط قبل انجام خواهد شد و واردکنندگان باید اظهارنامه مالیاتی داشته باشند. معاون ارزی بانک مرکزی با اشاره به نحوه عمل در خصوص ارز صادرکنندگان، گفت: صادرکنندگان می‌توانند ارز خود را از طریق سامانه نیما به سیستم بانکی یا صرافی‌های مجاز بفروشند و این ارز نیز به مصرف واردات مورد نیاز کشور می‌رسد. عضو هیات عامل بانک مرکزی عنوان کرد: طبق ضوابط جدید، بانک‌ها ملزم به خرید اسکناس خرد افراد هستند و صرافی‌ها نمی‌توانند خرید و فروش اسکناس انجام دهند. عراقچی درباره سپرده‌پذیری ارزی نیز گفت: بانک مرکزی این تضمین را به تمام سپرده‌گذاران ارزی می‌دهد که با سود مقرر در سررسید، به این افراد، همان اسکناس سپرده‌گذاری شده را بازپس دهد. معاون ارزی بانک مرکزی، نگهداری ارز بیش از ۱۰ هزار یورو یا معادل آن به سایر ارزها را ممنوع خواند و افزود: افرادی که در حال حاضر بیش از این مبلغ در اختیار دارند می‌توانند منابع خود را نزد بانک‌ها سپرده‌گذاری کنند.

منبع: تسنیم

